امکان تعدد پایه آگاهی در کنار شبکه‌های عصبی

نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم، این است: این اتصال‌گرائی و مبنای شبکه عصبی که امروز به‌شدت از آن کار می‌کشند، یکی از طرق آن آگاهی و هوشی است که به دنبالش بودند. از طریق اشکالاتی که دارایفوس می‌کرد، می‌خواستند به‌دنبال آگاهی و این مبانی باشند که سراغ شبیه‌سازی شبکه عصبی رفتند. شبکه عصبی یکی از راه‌های چیزی است که خروجی شبکه عصبی است. یعنی همین چیزی که الآن توسط شبکه عصبی فراهم می‌شود، بعداً می‌بینید که خداوند متعال درک جسمانی ما را از طریق این شبکه قرار داده است، اما همان کارهایی که الآن از طریق این پایه‌های که خداوند متعال قرار داده، انجام می‌دهیم، خداوند متعال می‌تواند از طرق دیگر با پایه‌های دیگری، آن را به ظهور بیاورد. بنابراین اگر بشر در همین شبکه‌های عصبی پیشرفت کرد و به همین‌ها رسید، بعداً مدام آلترناتیوهایش پیدا می‌شود و می‌گوید همین کاری که از طریق شبیه‌سازی شبکه عصبی به آن رسیدیم، با آن هم می‌شود. پس معلوم باشد که این‌طور نیست که آن آگاهی‌ای که الآن در هوش قوی به دنبالش هستیم، راه آن فقط شبکه عصبی باشد؛ فعلا سراغ این راه رفته‌اند. به تعبیر آن‌ها می‌گویند فیزیک و طبیعت این کار را کرده است، ولی معلوم است که «در حیرتم از چشم‌بندی خدا»؛ خدای متعال آن را به‌صورت خلق فرموده است؛ «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»[1]، در این دنیا بندهاش را این‌طور آفریده است.

شاگرد: حدستان این است؟ چون اگر منحصر در این جزء لایتجزی باشد... .

استاد: نه، واضح است. یعنی یکی از جزءهای لایتجزی در مزاج ما که پایه برای ظهور چیزهایی است که با شبکه عصبی به دنبالش هستند، یکی از انواع پایه است. شما می‌توانید نوع دیگری از جزء لایتجزای پایه تشکیل بدهید و همین خروجی‌هایی را که الآن برای شبکه‌های عصبی هست را داشته باشید.

شاگرد: امکان را می‌گویید یا قطعاً این‌چنین است؟

استاد: نه، من می‌گویم هست.

شاگرد: مثل این‌که کسی بگوید جزء لایتجزایی از طبیعت آب هست که به‌غیر از H_2O است که اگر آن بیاید مثل آب تشکیل می‌شود.

استاد: یعنی ما طبیعی الماء داریم، در فیزیک که می‌آید خداوند متعال برای آن، پایه H_2O را فراهم می‌کند و طبیعی آب ظهور می‌کند ...

شاگرد: یک پایه دیگری هم می‌تواند برای آن فراهم کرد؟

استاد: بله، مثلاً در خواب می‌بینید نهر آب دارد می‌رود. واقعاً هم چشم باز می‌کنید می‌بینید الآن نهر آب بود و آب را خوردم. آبی را که در خواب می‌خورد، وقتی چشمش را باز می‌کند، همان مزه آبی را که

خورده را دارد حس می‌کند. می‌گویی وقتی بیدار شدم مزه آب در حلقوم من است؛ آن H_2O بود یا نبود؟!

شاگرد: خب عالَم عوض شد. اما در عالم ماده جز لایتجزایی که طبیعی آب را نشان می‌دهد تنها همین H_2O است. در این عالم ماده، می‌تواند جز لایتجزای دیگری باشد که بتواند طبیعی آب را نشان بدهد؟

استاد: در این خصوصیات، امکانش هست ولی اینکه حتماً هست، من اینجا را ادعا نکردم. من خوچی را می‌گویم که خوچی، ظهور طبیعی الماء است. من می‌گویم ظهور طبیعی الماء ضمن یک فرد، به‌گونه‌ای است که آن فرد دارد برای ظهور طبیعی الماء روی یک پایه فراهم می‌کند. آن فرد در اینجا این است، ولی بدل دارد. یعنی خدای متعال در موطنها و ظروف مختلف، پایه‌های فراهم می‌کند که همان طبیعی الماء در آن ظرف با آن پایه ظهور می‌کند، ولی طبیعی الماء است. طبیعی الماء ولی فردش که مجلای ظهور این طبیعی است، آن پایه‌ای که مجرای ظهور آن طبیعی است با پایه‌ای که الآن در عالم دارد، مختلف است.

شاگرد۲: می‌توانیم هوش موجود در جن را مثال بزنیم.

استاد: در ملائکه و در جن.

شاگرد۲: ملائکه فرق می‌کند، ولی جن بیشتر با اینجا سازگار است.

استاد: بله، چون « وَخَلَقَ الْجَانَّ مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ »[2]. «مارج من نار» روی طبیعیات قدیم همان عنصر نار است؟ یا نه؟ ظاهرش که همین است کما اینکه «خَلَقَكُم مِّن طِينٍ»[3]، در اینجا هم «من نار». پس طین و نار شد؛ ظاهرش همین است، ولی از نظر واقع امر و پیشرفت بحث، صحبت‌هایی هست، کما اینکه در «خلقکم من طین» هم هست؛ اینکه «طین لازب» و مراتبی که دارد را چطور معنا می‌کنند.

بنابراین این هم نکته مهمی است که الآن این جز لایتجزایی که داریم، اینطور نیست که فقط آن باشد، بلکه فعلاً این طریقی برای ظهور آن هوش قوی‌ای است که بشر به دنبالش است. بعداً می‌تواند در مسیرهای دیگری هم برود. در پروژه مغز آبی، عرض کردم؛ در ارگانوئیدی اندام‌کاهی هست؛ در آزمایشگاه شروع می‌کنند یک چیز کوچک را رشد می‌دهند. الآن اداره نیست، در مغز آبی به چند نورون رسیده‌اند. در مغز بشر که حدود هشتاد و پنج میلیارد نورون هست. تازه هنوز چقدر را کشف نکرده‌اند. هر نورونی هم با همدیگر هفت هزار تا اتصال برقرار می‌کنند. یک چیزی گفته می‌شود! هشتاد و پنج میلیارد ضرب در هفت هزار! ببینید زیر جمجمه، خداوند متعال چه کار کرده است! در پروژه مغز آبی از نوعی موش گرفته‌اند و ارگانوئیدی درست کرده‌اند. ارگانوئیدی این است که فقط یک بخش کوچکی از اندام را به‌صورت مصنوعی در آزمایشگاه بالا می‌آورند. آن چیزی هم که الآن به‌دنبال آن هستند، این است که می‌بینند وقتی اینها رشد کردند، آیا آن سیگنال‌هایی که از مغز دریافت می‌کنیم و نورون‌ها برای یکدیگر دارند، می‌توانند از این طریق به آن‌ها برسند یا نه؟ این‌ها کارهایی است که دارند ادامه می‌دهند. تا چه زمانی هم پیش برود و به چه مراحلی برسد، نمی‌دانم.

---

[1] المومنون ۱۴

[2] الرحمان ۱۵

[3] الانعام ۲

بازبینی #3
ایجاد شده 16 سپتامبر 2024 14:37:15 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 13:27:45 توسط ... .